

جوانان مسلمان و
شراب و باطن الکلی!

محمد رضا شریعتی

مشهد

یکی دیگر از قدمهای بزرگسی که زمامداران مسیحی در اندلس برای اضمحلال مسلمین برداشتند این بود که مشروبات الکلی را رایگان در دسترس جوانان مسلمان قرار دهند یکی از کشیشان مسیحی در یکسال تمام انگورهای قرطبه را پیش خرید کرد و همه آنها را شراب ساخت با خدایمان بست که آنها را جز بدانشجویان اسلامی و جوانان ندهد و خلاصه تمام این علل دست بدست یکدیگر داده حالات زیر را در مسلمانان ایجاد نمود .

۱- میخوارگی که در گذشته در بین زمامداران عیاش بصورت پنهانی انجام می گرفت یک عمل علنی و عمومی گردید و چون فرهنگیان و دانشجویان در این عمل پیش قدم بودند لذا شرابخواری و میگساری نشانهی تجدد و منور بودن فکر گردید ، و هرکس از این عمل اجتناب می ورزید ، کهنه پرست و خرافی نامیده می شد .

۲- جوانان میگسار و بی بند و بار روش پدران خود را حقیر شمرده و آنان را نادان و مرتجع و دور از تمدن خواندند .

۳- لباس ساده خود را که نشانهی صبر و تحمل و کار و فعالیت و کوشش بود از تن بدر کردند و لباس حریر و دیبای اروپائیان یعنی جامه تن پروری را بتن کردند

۴- مسجد و مجامع مذهبی در انحصار

دخترکی نصرانی شد و خواست اورا بآتهدید از پدرش برباید، آندختر به " جندل بن حمود استاندار اشیلیه (یکی دیگر از استانهای کشور اسلامی اندلس) پناهنده شد جندل هم لشکر فرستاد تا برای این عمل معتصم را سرکوبی نمایند و در نتیجه جنگ بین این دو استاندار اسلامی درگرفت و او که از مدتها پیش از طرف زمامداران مسیحی (در صورت همکاری او با آنها) وعده^۵ فرمانفرمایی کل اندلس باو داده شده بود، از زمامداران مسیحی کمک نظامی خواست و زمامداران مسیحی هم که از دیر زمانی بانتظار وقوع جنگهای داخلی در کشور اسلامی اندلس نشسته بودند، فرصت را از دست نداده و عده زیادی از سربازان مسیحی را بیاری این فرمانده نظامی روانه کردند او با سپاهیان خود و ارتش امدادی مسیحیان به معتصم تاخت و اورا کشت و قصرش را ویران نمود و به شکرانه این فتح جشنهای باشکوهی برپاکرد و مردم مسلمان و مسئولین امور این کشور اسلامی از این واقعه عبرت نگرفته و در برابر آن ساکت نشستند.



این حادثه، نخستین ضربتی بود که بر اثر آن معاهده شوم و باز شدن پای بیگانگان و اشاعه مشروبات و باز شدن فرهنگ از طرف مسیحیین و ورود دختران زیبا و

پیرمردان و پیرزنان درآمد و جوانان را با مسجد و نماز سروکاری نبود.

۵ - دختران زیبا و طنز اروپائی که در همه جا مامور دلربائی از جوانان مسلمان بودند، با دقت هر چه بیشتر ماموریت خود را انجام داده و در نتیجه جوانان مسلمان تا نیمه های شب در گوشه های مهمان خانه هایی که میعادگاه دختران اروپائی بود بسر میبردند.

۶ - خوشگذرانی و عیاشی شیوع یافت و همچنین رقابت در تجملات زندگی، لباس، مسکن، شروع شد و عایدات مشروع و معمولی کفاف آنها را نداد، و برانجام آرزوهای آنها قادر نبود و در نتیجه عمال دولتی برای تأمین هوی و هوسهای خود شروع به اخذی و ارتشاء و اختلاس نمودند و بازار فساد اخلاق رواج یافت، طبقات تولیدکننده ثروت یعنی دهقانان و کشاورزان و روستائیان و کارگران و صنعتگران برای تأمین هوسهای طبقات ممتاز مجبور بودند بیشتر دسترنج خود را تقدیم نمایند بدین ترتیب ایندسته پس از مدتی فقیر و ناراضی شده و طبقات ممتاز هم پیش از پیش در لجنزار تن پروری و فسق و فجور و شهوترانی غوطه ور شدند.

بالاخره کار شهوترانی و پرده دری مخصوصا در طبقه ماموران بالا گرفت و " معتصم بن صمادح " استاندار المریا (یکی از استانهای کشور اسلامی اندلس) عاشق

دل مردم رسیدگی نمی‌کنند علاوه بر این مسیحیان، با هفتاد و پنجهزار سرباز آماده، بما حمله‌ورند و مسلمین در برابر آنان تاب مقاومت ندارند حصین در خشم شده و گفت تو می‌خواهی شرافت و افتخار پدران ما را بریاد دهی و سرمشق جنایت باشی ولی بدان که زمامداران مسیحی بتو جزای خیانت خواهند داد نه جزای خدمت.

اما خشم حصین دیگر سودی نداشت. زیرا "ابن‌ذی‌النون" خائن قلعه را تسلیم

مسیحیان کرده بود، و سربازان آنان وارد شهر شده و آنجا را غارت کردند و مرتکب شدیدترین جنایات شدند. و مسلمانان جبون و مرده‌والانس هم ناچار دست از زن و بچه خود شسته، پابقرار گذاردند تاریخ می‌نویسد لشکر مسیحیان در آن هنگام سیزده هزار نفر مردم مسلمان را به جرم دفاع از ناموس خود بخاک و خون کشیدند و سی هزار نفر مسلمان از مرد و زنها بجرم نپذیرفتن دین مسیح از دم شمشیر گذراندند. مسجد و مدرسه شهر والانس را آتش زدند تصرف شهر والانس بوسیله مسیحیین بقدری بسا سرعت انجام گرفت که هنوز خبر خیانت ابن‌ذی‌النون به عدی بن عبدالعزیز نرسیده که کار از کار گذشته بود.

عدی خواست با لشکر خود بطرف والانس حرکت کند ولی دید قرطبه در خطر است ناچار در آنجا ماند ولی ابن‌ذی‌النون خائن نیز بجای خیانت خود رسید زیرا

طناز... بر پیکره مسلمین اندلس وارد آمد پس از این واقعه برادرکشی و سکوت امرای مسلمین در برابر آنها، کار خود را کرده و روح سلحشوری و شهامت و تعصب در حفظ دین و ناموس و کشور، از بین مسلمین رخت بر بسته و وقت آن رسید که آرزوی دیرین خود یعنی تصرف کشور اسلامی اندلس و اخراج مسلمین از آن را عملی سازند.

مایه‌ی عبرت

در روز چهارم جمادی الثانی سال ۴۸۶ هجری به حصین بن جعفر استاندار نیرومند اسلامی و فرمانده لشکر والانس (یکی از استانهای بزرگ اندلس) اطلاع رسید که نخست‌وزیر مسلمین عدی بن عبدالعزیز مشهور به "ابن‌ذی‌النون" بسا مسیحیان قرارداد محرمانه‌ای بسته که به مسلمین و مملکت خود خیانت کند و قلعه‌های والانس را تسلیم آنان نماید، حصین پس از شنیدن این خبر به پیش ابن‌ذی‌النون رفت تا درباره آنچه شنیده بود تحقیق نماید و هنگامیکه به نزد او رفت دلائلی بر صدق آنچه شنیده بود یافت هنگام ورود دید ابن‌ذی‌النون با یکی از کشیشان مسیحی زیرگوشی صحبت می‌کند، ابن‌ذی‌النون که راز خود را کشف شده یافت و انکار را بیفایده دید صریحا به جنایت خود اعتراف کرد و گفت: حصین بن جعفر! من دیده‌ام که زمامداران مسلمان ظالم و ستمگر شده و بدر

خود تقسیم نمود مسجد قرطبه را با خاک یکسان کرد و محل آنرا برای فحشاء و فسق و فجور اختصاص داد . کتابخانه اسلامی قرطبه را که مشتمل بر بیش از هشتاد هزار جلد کتاب بود فرمان داد تا آتش زدند و چهار هزار نفر از اهالی قرطبه را به قتل رساندند و براق بن عمار افسر خائن اسلامی هم به امر " دوکونیز " یکی از زمامداران مسیحی بقتل رسید .

تقیه: تقیه مردان ...

که جوان بود و اسلام هم جوان ، از روش تقیه استفاده کرد و نیروی خود را برای میدانهای جنگ ، و برای مبارزات میان حق و باطل که پس از پیامبر (ص) مخصوصا در دوران بنی امیه روی داد ، ذخیره کرد ، و به همین دلیل پیامبر (ص) نیز برکار اوصحّه گذارد .

اما چگونه - با این حال - عمل پدر و مادر عمار که هردو تقیه را دریدند و تسلیم مرگ شدند یک عمل صحیح و سعادتبخش بود؟ در بحث اقسام تقیه ، بخواست خدا از آن سخن خواهیم گفت .

بمجرد ورود " ایلد فولنس " زمامدار بزرگ مسیحی شهر والانس دستور داد این دی النون خائن را آتش زدند تا مبادا به آنها هم خیانت کند . بالاخره نقشه زمامداران مسیحی عملی شد و براق بن عمار افسر خائنکار اسلامی هم مشغول فعالیت است تا حائیکه جندل بن حمود استاندار اشبیلیه را بوعده های دروغین زمامدار مسیحی که وعده فرمانروائی کل اندلس را باو داده بودند فریب داد و او لشکر خود را برداشته و به کمک سربازان مسیحی به مالک بن عباد فرمانروای کل اندلس حمله ور شده و از اشبیلیه به طرف قرطبه حرکت نمود ولی سربازان مسیحی به مجرد حرکت جندل از اشبیلیه آنجا را تصرف کردند سپس بوسائل مختلفی جندل را بقتل رساندند . سربازانش که پس از بقتل رسیدن جندل خود را بی فرمانده دیدند بظرف اشبیلیه برگشتند اما سربازان مسیحی اجازه ورود به اشبیلیه را به آنها ندادند اکثریت آنها را بقتل رساندند ، مالک بن عباد بیچاره فرمانروای کل اندلس هم که باران خود را از دست داده بود ناچار به " سرقظه " فرار کرد و در آنجا تا آخر عمر با دلت بسر برد ، زمامدار بزرگ مسیحی " ایلد فولنس " هم بدون هیچگونه مانعی وارد قصر پادشاهی قرطبه شد و پنجاه دختر زیبا از دختران زمامداران اسلامی را بین سران سپاه خود تقسیم نمود و همچنین کاحهای زمامداران اسلامی را بین افسران